

پالت رنگی در آثار وس اندرسون و رابطه آن با محتوا

امیرعلی نصیری^۱، رها شرفی عالی^۲

کارشناس ارشد مهندسی فناوری اطلاعات، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران ایران (نویسنده مسؤل) و عضو انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران.

کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران و مدرس مهمان در همین گروه.

چکیده

اهمیت رنگ در هنر و بر روی انسان انکارناپذیر است. یکی از کارگردان‌های پست‌مدرن سینما که از رنگ استفاده ویژه‌ای کرده، وس اندرسون است. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا ضمن مروری بر پست‌مدرنیسم در سینما و زندگی‌نامه وس اندرسون، رابطه رنگ و محتوا در فیلم‌های او را بررسی کنیم؛ بدین منظور، چند اثر او را نیز موردکاوی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌گان: پالت رنگی، پست‌مدرنیسم، وس اندرسون، سینما، نظریه رنگ.

¹ nassiry@uast.ac.ir

² raha.sharafiaali@gmail.com

چهارچوب نظری

رنگی به‌جا به چه صورت می‌تواند احساسات و درونیات مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد؟ با دانستن دقیق این مؤلفه‌ها می‌توانیم سراغ المان بعدی در انجام پژوهش برویم، پست‌مدرنیسم را تعریف کرده، مؤلفه‌های آن را بشناسیم و به‌طور مشخص آن‌ها را در آثار وس‌اندروسون به‌صورت موردی بررسی کنیم.

روش پژوهش به‌صورت میدانی - کتابخانه‌ای انجام می‌شود و با مراجعه به منابع اسنادی - کتابخانه‌ای، منابع اینترنتی معتبر پژوهشی و مشاهده فیلم به بررسی تحلیلی - توصیفی مشاهدات پرداخته و نتیجه‌گیری حاصل می‌گردد.

پیشینه تحقیق

- پست‌مدرنیسم

نام دیگر عصر مدرن، مدرنیته^۲ است. مدرنیته با ایده مدرنیزاسیون^۳ ارتباط دارد. مدرنیزاسیون به معنای هماهنگی یا به‌روزرسانی یک چیز با نیازها یا شیوه‌های امروزی است [۶]؛ به‌عنوان مثال، اگر در مورد مدرن کردن آشپزخانه سخن بگوییم، منظورمان این است که آن را با آخرین و جدیدترین امکانات و تجهیزات، به سبکی امروزی‌ترین کنیم. برخی از شکل‌های پست‌مدرنیسم (چه موافق باشیم و چه مخالف) آن را نه گسست؛ بلکه نتیجه با بسط مدرنیته می‌دانند. در این صورت، پست‌مدرنیسم به‌عنوان آخرین نقطه پیشرفت مدرنیزاسیون دانسته می‌شود و با آنچه مدرنیزاسیون تا به حال ایجاد کرده‌است، ارتباط پیدا می‌کند [۴]. جدول ۲ پیشامدرنیسم، مدرنیسم و پسامدرنیسم را از جنبه‌های مختلف دسته‌بندی کرده‌است.

جدول ۱ - مشخصه‌های پیشامدرنیسم، مدرنیسم و پسامدرنیسم [۸]

پست‌مدرنیسم	مدرنیسم	پیشامدرنیسم	متافیزیک
ضدواقع‌گرایی	واقع‌گرایی؛ طبیعت‌گرایی	واقع‌گرایی؛ فراطبیعت‌گرایی	
ذهنیت‌گرایی اجتماعی	عینیت‌گرایی؛ تجربه و خرد	عرفان / ایمان	شناخت‌شناسی
برساخت‌گرایی	لوح سفید و خودمختاری	گناه اولیه؛ تسلیم به خواست خدا	طبیعت انسان

وزلی ولز اندروسون^۱ (ملقب به وس اندروسون) زاده اول می سال ۱۹۶۹، فیلمساز توانمند و هنرمند پست‌مدرن آمریکایی از معدود کسانی است که در کنار فیلمنامه‌های پرکشش و نگاه خاصش به هنر، پالت‌های رنگی ویژه‌ای در آثارش دارد. وی به‌شکلی خیره‌کننده و با تبحر یک نقاش، به‌گونه‌ای در سکانس‌های مختلف داستانش را از طریق فرم و رنگ و نور بیان می‌کند که گاهی می‌توان بدون نظر گرفتن بازیگران یا دیالوگ‌های آن‌ها، در رنگ‌ها غرق شد و داستان را درک کرد.

در این مقاله به‌طور مشخص به دنبال مؤلفه‌هایی هستیم که با توجه به آن‌ها کارگردان نما یا پلان‌هایش را از طریق پالت رنگی توضیح داده است. همچنین، آن فاکتورها چطور از او کارگردانی پست‌مدرن ساخته است؟ در ادامه تلاش می‌کنیم به توضیح رنگ و تأثیر آن در سینما و مخاطبانانش پرداخته و شاخص‌های فیلم‌هایی از آثار وس اندروسون را بررسی می‌نماییم.

مقدمه

رنگ تأثیر مستقیمی بر مغز انسان دارد. وقتی رنگ از طریق چشم‌ها به مغز راه می‌یابد، هورمونی ترشح می‌شود که می‌تواند بر احساسات، شفافیت ذهن و درجه انرژی افراد تأثیر بگذارد. مطالعاتی در دانشگاه لیدز انجام شده که نشان می‌دهد، رنگ قرمز به‌طور خاص می‌تواند هیجان و ضربان قلب را بالا ببرد یا رنگ آبی آن را کاهش می‌دهد. [۱]

پالت‌های سینمایی رنگارنگ به‌صورت مستقیم با تماشاگران در تماس هستند، رنگ‌ها اتمسفر خلق می‌کنند، احساسات را برمی‌انگیزند و نماد و نشانه‌ها را آشکار می‌سازند [۲]. این‌گونه است که کارگردانان، فیلمبرداران و طراحان صحنه بسیار پیش‌تر از شروع فیلمبرداری، پالت‌های رنگی خود را در مرحله پیش‌تولید ساخته و آماده می‌کنند.

آشنایی با نظریه رنگ‌ها، شناخت انواع رنگ، ترکیب آن‌ها، طیف‌ها و تونالیته‌های مختلف و ساخت چرخه‌های مختلفی باتوجه به فیلمنامه، لازمه فیلمسازی است که کارگردان به این مهم برای جلو بردن روایت فیلم تکیه می‌کند؛ گویی فیلمساز علاوه بر اینکه هنرمند بصری است، باید هنرهای تجسمی - به‌ویژه مبانی رنگ - را به‌خوبی بشناسد و در کارش از آن استفاده کند. ما در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با بررسی پالت‌های رنگی در آثار وس اندروسون، سبک فیلم‌های او را از منظر پست‌مدرنیسم تحلیل کنیم.

روش تحقیق

لازم است بدانیم که نظریه رنگ چیست و رنگ‌ها چگونه طبقه‌بندی می‌شوند، چگونه ایجاد حس‌آمیزی می‌کنند و استفاده صحیح و چپش

² Modernity

³ Modernization

¹ . Wesley Wales Anderson

دلیل	دلالت‌های بیرونی/ اخلاقی	دلالت‌های درونی/ فردی	الزاما دلالت بر چیزی ندارد
قهرمان	قهرمان محور	الزاماً قهرمان ندارد	ترکیب قهرمان/ شخصیت
زمان	زمان مستقیم بر مبنای رویدادهای بیرونی	زمان غیرمستقیم بر اساس تبدیل صحنه به لحظه	تناوب بین زمان مستقیم و غیرمستقیم/ موزاییکی
روایت	روایت ارسطویی (سه‌پرده‌ای با دو نقطه عطف)	روایت غیرارسطویی	فاقد الگوی روایتی
لحن	لحن واحد/ بیرونی	لحن واحد/ درونی	بازی با لحن
ژانر	مقید به ژانر	عبور از ژانر	ضد/ تلفیق ژانر
جایگاه سوره در قاب	قرار دادن در مرکز یا نقطه طلایی (با توجه به هندسه اقلیدسی)	قرار گرفتن در گوشه‌های قاب	جایگاه مشخصی ندارد یا خارج از قاب
ترکیب‌بندی (کمپوزیسیون)	تمایل به فرم‌های پایدار مثل مثلث وفاداری به قانون یک‌سوم و نقاط طلایی	تمایل به فرم‌های ناپایدار	عدم وفاداری به فرمی خاص دوربین روی دست
فیلمسازان شاخص خارجی	بیلی وایلدور اورسون ولز جان فورد آلفرد هیچکاک	کریستوفر نولان دیوید فینچر ژان لوک گدار میکالانجلو آنتونیونی	کوئنتین تارانتینو وس اندرسون ترنس مالیک دیوید لینچ

اخلاق	جمع‌گرایی: دگرخواهی	فردگرایی	جمع‌گرایی: برابری خواهی
سیاست و اقتصاد	فتودالیسم	سرمایه‌داری لیبرالی	سوسیالیسم
کی و کجا	قرون وسطی	روشنگری؛ حوزه‌های تکنیکی	علوم انسانی و پیشه‌های مرتبط

- سینمای پست‌مدرن

اصطلاح پست‌مدرن در سینما دربارهٔ سبک و مختصات زیبایی‌شناسانه آثار برخی از فیلمسازان (عمدتاً آمریکایی) دههٔ هشتاد و نود مانند کوئنتین تارانتینو، تیم برتون، دیوید لینچ، دیوید کراننبرگ، الیور استون و رابرت آلمن به کار می‌رود. اگرچه استفاده از آن روزبه‌روز وسعت بیشتری می‌یابد، هنوز منبعی که معنای دقیق این سبک یا مکتب روش فیلم‌سازی را مشخص کند، وجود ندارد. حتی فیلم‌سازی چون زنده‌یاد عباس کیارستمی را که امروز دارای موفقیتی بین‌المللی است، هم از جهاتی پست‌مدرن می‌خوانند [۳].

دکتر امید روحانی در سلسله مباحث خود دربارهٔ «پست‌مدرنیسم در سینما» در ماهنامهٔ فیلم نوشت [۵]: حتی اگر موفق به وضع یک تعریف از پست‌مدرنیسم و برشمردن اصول و مؤلفه‌هایی هم نشده باشیم (که هنوز نشده‌ایم) و نتیجه گرفت که تنها راه تبیین پست‌مدرنیسم در سینما همان مطالعهٔ موردی و بررسی تک‌تک فیلم‌سازی است که می‌توان از جهاتی آنان را پست‌مدرن نامید. جدول ۲ مشخصه‌های سینمای کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن را فهرست‌وار بیان می‌کند.

جدول ۲ - مشخصه‌های سینمای کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن به همراه نمونه [۱۱]

	خواهش	مدرن	پست‌مدرن
اصل و تمیز	دارای قطعیت	ابهام/ نسبی‌گرایی	بازی با قطعیت/ ابهام
منطق	وحدانی/ تک‌معنایی	ابهام/ دومعنایی	شاید فاقد معنا
شخصیت	داستان‌های بزرگ شاه‌پیرنگ	شخصیت مرد/ زن خرده‌پیرنگ	ضدپیرنگ

۲	راشمور	۱۹۹۸	۸	هتل بزرگ بوداپست	۲۰۱۴
۳	خانواده سلطنتی تنن بام	۲۰۰۱	۹	جزیره سگها	۲۰۱۸
۴	زندگی در آب با استیو زیسو	۲۰۰۴	۱۰	گزارش فرانسوی	۲۰۲۱
۵	دارجلینگ با مسئولیت محدود	۲۰۰۷	۱۱	شهر ستاره‌ای	—
۶	آقای فاکس شگفت‌انگیز	۲۰۰۹	۱۲	داستان شگفت‌انگیز هنری شوگر	—

جدول ۴ - جوایز و نامزدی‌های وس اندرسون [همان]

سال	فیلم	جایزه اسکار		بفتا		گلدن گلاب
		بافتا	اسکار	بافتا	اسکار	
۲۰۰۱	خانواده سلطنتی تنن بام	۱	۱	۱	۱	۱
۲۰۰۹	آقای فاکس شگفت‌انگیز	۲	۲	۲	۱	۱
۲۰۱۲	قلمروی طلوع ماه	۱	۱	۱	۱	۱
۲۰۱۴	هتل بزرگ بوداپست	۹	۴	۱۱	۵	۴
۲۰۱۸	جزیره سگها	۲	۲	۲	۲	۲
۲۰۲۱	گزارش فرانسوی	۳	۳	۳	۱	۱
جمع		۱۵	۴	۲۰	۵	۱۰

— نظریه رنگ در فیلم

مثال‌هایی از سینمای ایران و جهان	شاید وقتی دیگر (بیضائی، ۱۳۶۶)	گاو خونی (افخمی، ۱۳۸۱)	شبانه (بنکدار و علیمحمدی، ۸۳)
	ناخدا خورشید (تقوایی، ۱۳۶۵)	گزارش (کیارستمی، ۱۳۵۶)	شبانه‌روز (همان، ۸۷)
	آژانس شیشه‌ای (حاتمی‌کیا، ۱۳۷۶)	طبیعت بیجان (شهیدتالک، ۱۳۵۴)	هفت پرده (مؤمن، ۸۳)
	پرده آخر (کریم‌مسیحی، ۱۳۶۹)	آنسوی آتش (عیاری، ۱۳۶۶)	اژدها وارد می‌شود (حقیقی، ۹۴)
	سگ کنشی (بیضائی، ۱۳۷۹)	شب‌های روشن (مؤمن، ۱۳۸۱)	ماهی و گربه (مکری، ۱۳۹۲)
	درباره الی... (فرهادی، ۱۳۸۷)	از نفس افتاده (گذار، ۱۹۶۰)	سفر به چذابه (ملاقلی‌پور، ۱۳۷۴)

— وس اندرسون

وسلی ولز اندرسون (متولد اول می ۱۹۶۹) فیلمساز آمریکایی است. فیلم‌های او از جنبه سبک بصری و روایت منحصر به فرد هستند. بسیاری از منتقدان او را نمونه‌ای از فیلمساز مؤلف در دوران مدرن می‌دانند [۱۳]. سه فیلم از آثار او در نظر سنجی شبکه بی‌بی‌سی جزو بهترین فیلم‌های قرن معاصر انتخاب شدند: خانواده اشرافی تنن بام (۲۰۰۱)، قلمروی طلوع ماه (۲۰۱۲) و هتل بزرگ بوداپست (۲۰۱۴). اندرسون همچنین نامزد جایزه اسکار در رشته بهترین فیلمنامه ابداعی یا ارژینال برای خانواده اشرافی تنن بام، قلمروی طلوع ماه و هتل بزرگ بوداپست و نامزد بهترین پویانمایی برای آقای فاکس شگفت‌انگیز و جزیره سگها است. او سرانجام اولین نامزدی جایزه اسکار در رشته‌های بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را برای هتل بزرگ بوداپست به دست آورد و توانست جایزه گوی زرین^۴ برای بهترین فیلم موزیکال و کمدی و همچنین جایزه بفتا^۵ برای بهترین فیلمنامه را با همین فیلم کسب کند. او شرکت تولید فیلم American Empercal Pictures را در سال ۱۹۹۸ تأسیس کرد [۱۴]. وی جایزه خرس نقره‌ای را از جشنواره فیلم برلین برای جزیره سگها در سال ۲۰۱۸ دریافت کرد. [۱۶] جدول ۳ فیلم‌شناسی او و جدول ۴ جوایز و نامزدی‌های وس اندرسون را نشان می‌دهد.

جدول ۳ - فیلم‌شناسی وس اندرسون [۱۶]

ردیف	فیلم	سال	ردیف	فیلم	سال
۱	منور	۱۹۹۶	۷	قلمروی طلوع ماه	۲۰۱۲

⁵ BAFTA: British Academy of Film and Television Arts

⁴ Golden Globe

آبی: ایمان، معنویت، رضایت، وفاداری، تحقق صلح، آرامش، ثبات، هماهنگی، وحدت، اعتماد، حقیقت، اعتمادبه‌نفس، محافظه‌کاری، امنیت، پاکیزگی، نظم، آسمان، آب، سرما، فناوری، افسردگی.

بنفش یا ارغوانی: وابسته به عشق شهوانی، حق امتیاز، اشراف، معنویت، مراسم، اسرارآمیز، دگرگونی، روشنگری، خرد، ظلم، استکبار، عزاء، قدرت، حساس، صمیمیت.

قهوه‌ای: ماتریالیستی، احساس، زمین، خانه، بیرون از منزل، قابلیت اطمینان، راحتی، استقامت، پایداری، سادگی.

سیاه: نه، قدرت، تمایلات جنسی، پختگی، تشریفات، ظرافت، ثروت، رمزوراز، ترس، گمنامی، ناخوشایند بودن، عمق، سبک، شر، غم، پشیمانی، عصبانیت.

سفید: بله، محافظت، عشق، تکریم، خلوص، سادگی، پاکیزگی، صلح، فروتنی، دقت، معصومیت، جوانی، تولد، زمستان، برف، خوب، عقیمی، ازدواج (در فرهنگ‌های غربی)، مرگ (در فرهنگ‌های شرقی)، سرما، تمیزی.

نقره‌ای: ثروتمند، زرق‌وبرق، برجسته، خاکی، طبیعی، براق، زیبا، مجهز به فناوری پیشرفته.

طلایی: گران‌بها، ثروتمندان، افراط‌وتفریط، گرما، ثروت، رفاه، عظمت.

یافته‌های تحقیق

در این بخش رابطه رنگ و محتوا را در آثار وس اندرسون بررسی می‌کنیم. وقت‌هایی در بزرگسالی پیش می‌آید که با یک خاطره متوقف شده و به زمان کودکی برمی‌گردیم. شاید این خاطره‌ها واضح نباشند؛ اما میلی مقاومت‌ناپذیر در ما به‌وجود می‌آورند تا این تکه‌های پازل از خاطرات را کنار هم بگذاریم. با این کار جهان شخصی خود را به‌وجود می‌آوریم و شروع به رنگ‌آمیزی آن تکه‌های بی‌رنگ و روح می‌کنیم. مهم‌ترین کارگردانی که تخصص رنگ‌آمیزی خاطرات باشد، اندرسون است [۱۴]؛ او استاد خلق تصاویر رنگارنگ به‌یادماندنی است که رنگ‌وبوی کهنگی به خود گرفته‌اند. فیلم‌های او با طراحی صحنه، حرکت‌های دوربین و تکنیک پویانمایی توقف حرکت، کیفیت مینیاتورگونه کارهایش را تقویت می‌کنند. در زمینه انتخاب رنگ، او تنها نگران رنگ دیوارها نیست؛ بلکه حس‌وحال صحنه یا خاطرات مرتبط با آن را نیز در نظر می‌گیرد.

پالت رنگی هر فیلم، جایی است که راوی داستان می‌تواند درام را تقویت کند. جهان‌های خیالی که در فیلم‌های وس اندرسون به‌وجود آمده‌اند، رنگ‌آمیزی دقیقی دارند: آسمان‌های پاستلی و ساختمان‌های رؤیایی با توجه او به تمامی جزئیات فیلم‌هایش را تبدیل به رؤیا می‌کنند. ما از دریچه دوربین او قدم به دنیایی پست‌مدرن و نوستالژیک می‌گذاریم که منحصر به خود اوست.

نظریه‌ای است که می‌گوید رنگ‌های خاص در فیلم احساس خاصی به مخاطب القا می‌کنند [۱۵]. دستکاری این رنگ‌ها می‌تواند برای هدایت مخاطب به سمت هدف نویسنده باشد که برای ارسال پیام به یکدیگر متصل شده یا برای ایجاد طنز به کار گرفته شده‌اند [۹]. برای استفاده صحیح از تئوری رنگ فیلم، ابتدا باید نگاهی به چرخه رنگ در یک فیلم بیندازید که می‌تواند شما را با تأثیر رنگ در داستان‌پردازی بیشتر آشنا کند (شکل ۱). چرخه رنگ یا دایره رنگ، نمایشی سازمان‌یافته از نمودار شدت رنگ است که رنگ‌های اولیه، رنگ‌های ثانویه، رنگ‌های نوع سوم و سایر ترکیب‌های رنگ را در تئوری رنگ نشان می‌دهد. مانند یک اینفوگرافیک انواع مختلف رنگ‌ها و ترکیب رنگ‌ها در سینما را شرح می‌دهد؛ این یک ابزار مهم است که هر کارگردان باید بتواند در کنار خود داشته باشد، چون به او کمک می‌کند تا تصمیم بگیرد که ظاهر فیلمش چگونه به‌نظر برسد، کدام لباس‌ها جلوی دوربین ظاهر شود و صحنه‌ها چگونه نورپردازی شوند. [۱۰]



شکل ۱ - چرخه رنگ [۱۰]

قرمز: عصبانیت، اشتیاق، خشم، هیجان، انرژی، سرعت، قدرت، توان، گرما، عشق، پرخاشگری، خطر، آتش، خون، جنگ، خشونت.

صورتی: عشق، بی‌گناهی، سلامتی، شاد، محتوا، عاشقانه، جذاب، بازیگوش، نرم، لطیف، زنا.

زرد: خرد، دانش، آرامش، شادی، خوشبختی، خوش‌بینی، آرمان‌گرایی، تخیل، امید، آفتاب، تابستان، ناهنجاری، بزدلی، خیانت، حسادت، خیانت، فریب، بیماری، خطر.

نارنجی: شوخ‌طبعی، انرژی، تعادل، گرما، شور و شوق، پرجنب‌وجوش، گسترده، پرزرق‌وبرق.

سبز: شفابخش، تسکین‌دهنده، پشتکار، سرسختی، خودآگاهی، افتخار، طبیعت تغییرناپذیر، محیط‌زیست، سالم، موفقیت، تجدید، جوانی، نشاط، بهار، سخاوت، باروری، حسادت، بی‌تجربگی، حسادت.

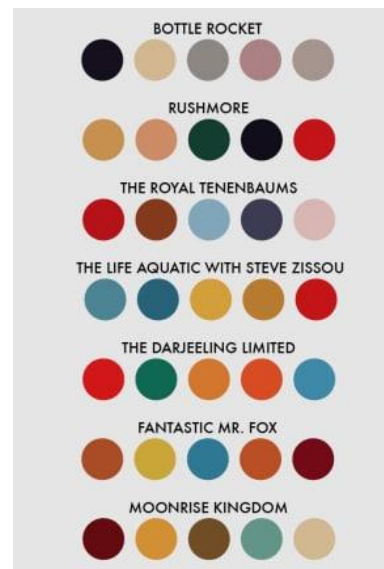
آرامبخش، خشونت موجود در فیلم را تلطیف می‌کند و داستان فیلم را سبک‌تر روایت می‌کند. صورتی به کار رفته در فیلم، هتل را تبدیل به بزرگ‌ترین شخصیت فیلم می‌کند.

اندرسون از سه پالت رنگی برای زمان‌های مختلف فیلم استفاده کرده‌است: سبز زیتونی برای دوران کمونیستی. لوازم صحنه رنگ متفاوتی دارند تا در نماها متمایز شوند. اندرسون در جایی گفته بود که دوست دارد هتل مثل یک کیک بزرگ به نظر برسد. با این رویکرد، می‌توان این برهه زمانی را کیکی صورتی با تزیینات بنفش دانست که حسی جشن‌گونه به فیلم می‌بخشد. پالت صورتی و آبی قنادی ترکیب فوق‌العاده جذابی شده‌است. رنگ‌های پاستلی با تونالیته‌های خنثی و زوایای تند، منجر به افزایش داینامیک صحنه‌ها می‌شود. پرسنل هتل یونیفرم‌های بنفش رنگ می‌پوشند که نشان‌دهنده لاکچری بودن هتل است. این رنگ کمک می‌کند تا از دیوارهای قرمز رنگ متمایز شود. مادام دی. با لباس قرمز، عملاً در دیوار محو می‌شود؛ درست مانند همان اتفاقی که برای خودش در فیلم می‌افتد. اندرسون و تیم همکاری، در هتل بزرگ بوداپست از تم رنگی مونوکروم بهره برده‌اند. صورتی کم‌رنگ جا را برای بنفش‌های پررنگ باز می‌کند. نتیجه کار، با وجود حفظ تونالیته، تضاد یا کنتراست را نیز حفظ می‌کند. تضاد بین جهان زندان و هتل در دو جا به‌خوبی خود را نشان می‌دهد: زمانی که زیرو به یونیفرم بنفش می‌رسد و زمانی که سوار وانت قنادی می‌شوند. رنگ صورتی جعبه‌ها نشان‌دهنده خلوص نیت آگانا و امیدبخشی به زندانیان است. چنین استفاده هوشمندانه‌ای از رنگ، بدون هیچ دیالوگی حس صحنه را قوی‌تر می‌کند.

قلمروی طلوع ماه فیلم دیگری از اندرسون است که از رنگ برای برانگیختن احساسات تماشاچیان استفاده و تلاش می‌کند به پالت رنگی منحصر به خود استفاده کند. ویژگی برجسته پالت رنگی این فیلم، سادگی و رنگ‌های پاستلی آن است. به‌کارگیری رنگ‌های گرم و با اشباع کم حس نوستالژی و خاطرات کودکی را زنده می‌کند. در این فیلم، پیشگاهانگ‌ها دستمال‌گردن‌های زرد رنگ (نماد پست‌مدرنیسم) دارند؛ در حالی که آنتاگونیست فیلم (خدمات اجتماعی) کت آبی رنگ (طیف مقابل زرد) می‌پوشد. اندرسون برای انتخاب رنگ زرد به کاراکترهای مثبت و رنگ آبی به کاراکترهای بد، بسیار نبوغ‌آمیز است؛ چون بر درک انسان‌ها از این دو رنگ استوار است. ماجرای فیلم در دهه ۶۰ میلادی می‌گذرد و از رنگ‌های گرم استفاده زیادی کرده‌است؛ زرد، قرمز یا نارنجی. به‌نظر می‌رسد که کارگردان از دیوارهای خاکستری یا سفیدرنگ متنفر است. او رنگ غالبی را برای اتاق انتخاب کرده و سپس لوازم عتیقه را به آن اضافه کنیم؛ مانند دوربین شکاری، گرامافون یا دوربین فیلم‌برداری، بدین شکل به یک پالت رنگی نوستالژیک دست پیدا می‌کنیم... ترکیبی از سبز ارتشی، آبی آسمانی با اندکی قرمز به نشانه رومنس موجود در فیلم.

در سال‌های اخیر، تمایل به استفاده از طیف کروماتیک وسیع‌تر در فیلم‌ها رواج پیدا کرده‌است [۲۰]. حالا فیلم‌سازان قادرند تا داستان‌ها را

وس اندرسون رنگ مشترکی در فیلم‌هایش دارد: زرد که مشتقاتش یکی از نشانه‌های پست‌مدرنیسم است. اگرچه او از رنگ‌های متنوعی استفاده می‌کند؛ ولی بعد از تماشای چندین اثرش متوجه تکراری بودن زرد می‌شوید [۱۷]. (شکل ۲ را ببینید) این در حالی است که فیلم‌های زیادی در تاریخ سینما وجود ندارند که زرد، پالت رنگی اصلی آن‌ها باشد. زرد، نماد خورشید، جهان غرب، جدایی، جوانی و شادی است. رنگی گرم که فعالیت مغزی را زیاد می‌کند و به ماهیچه‌ها انرژی می‌بخشد. رنگ زرد توجه را به خود جلب می‌کند و بیانگر افتخار و وفاداری است. بیراه نیست اگر بگوییم رنگ‌ها بر روی خلق‌وخوی ما تأثیر می‌گذارند و اندرسون این را به‌خوبی می‌داند. رنگ زرد با خاطرات خوب نیز گره خورده‌است و خانه را به یاد ما می‌آورد. البته نباید فراموش کنیم که هرکس خاطرات کودکی‌اش را با یک رنگ به یاد می‌آورد.



شکل ۲ - پالت رنگی آثار وس اندرسون در یک نگاه [۲۲]

عمده شهرت اندرسون به‌خاطر پالت‌های پاستلی و متالیکش است. حسن این پالت‌ها این است که وقتی رنگ‌هایی با اشباع بیشتری وارد می‌شوند، بلافاصله توجه بیننده را جلب می‌کنند. در نتیجه، یک نمای نزدیک نیاز به نقطه کانونی برای جلب توجه ندارد و رنگ به‌تنهایی کار خودش را می‌کند. یک نمونه بارز، کلاه نارنجی‌رنگ در زندگی در آب با استیو زیسو است. اندرسون باکی ندارد که دیوارها را لاجوردی، زرد یا نارنجی کند.

پالت‌های رنگی اندرسون و جهان سینمایی او یکپارچه شده‌اند. او چشم تیزبینی برای کارگردانی هنری دارد و تماشاچی را در فیلم‌هایش غرق می‌کند. او زبان بصری خاص خودش را پیدا کرده‌است و تماشاچی فیلم‌هایش تجربه بصری عمیقی خواهد بود.

هتل بزرگ بوداپست احتمالاً برجسته‌ترین فیلم وس اندرسون است. او به‌صورتی نمادین و با در نظر داشتن زیبایی‌شناسی به ترکیبی جادویی از صورتی و زرد دست پیدا کرده‌است. این تونالیته‌های

با جزئیات بیشتر و پالت‌های رنگی متنوع‌تر روایت کنند و حس‌وحال تماشاچیان را با ارکستری از رنگ‌ها برانگیزند. شاید نتوان در حجم محدود این پایان‌نامه اهمیت رنگ در سینما را به‌خوبی نشان داد. کارگردان‌ها و مدیران فیلمبرداری عامدانه از برخی رنگ‌ها دوری می‌کنند تا به روایت آن‌ها خدشه‌ای وارد نشود. این جهان‌های رنگی تبدیل شده‌است به امضای منحصربه‌فرد هر کارگردان، کسی مثل وس اندرسون.

می‌توان فیلم‌های وس اندرسون، حرکات دوربین، نحوه ترکیب‌بندی یا بازی‌گردانی او را دوست نداشت؛ ولی نمی‌توان منکر شد که او فیلم‌هایی تفکربرانگیز می‌سازد و از بیشترین توان بخش‌های مختلف در فیلم استفاده می‌کند. فیلم‌های او - به‌ویژه آن‌هایی که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته‌اند - به لحاظ بصری، شاهکار هستند؛ چون او زیاد به جزئیات توجه دارد. او قادر است تا توجه ما را به چیزی که می‌خواهد جلب کند و هر پلان فیلمش را حائز اهمیت کند. پالت‌های رنگی متنوع اندرسون، در هر فیلم به‌صورتی تازه به تماشاچیان عرضه می‌شود و هر پالت تجربه سینمایی متفاوتی را از محتوای فیلم‌های پست‌مدرن او به ما عرضه می‌کند. ما با دیدن هر صحنه از فیلم‌هایش به یکی از خاطرات کودکی‌مان می‌رویم؛ زمانی که چمن‌ها سبزتر، خورشید درخشان‌تر و آسمان آبی‌تر بود.

نتیجه‌گیری

وس اندرسون را به استفاده افراطی از حرکات دوربین، ترکیب‌بندی‌های متقارن، زوم سریع، پرسپکتیو تک‌نقطه‌ای، نماهای آهسته، پالت‌های رنگی محدود ترکیبی از رنگ‌های طبیعی^۶ مانند سبز آوودکادویی، خردلی، نارنجی سوخته، فیروزه‌ای و رنگ‌های متالیک، فیلمنامه‌های مصور^۷ با دست طراحی شده و استفاده از مینیاتور در طراحی صحنه می‌شناسند. این رنگ‌ها نماد پست‌مدرنیسم در هنر هستند؛ مفاهیم مضمونی فیلم‌هایش قبلاً پست‌مدرنیستی او را ثابت کرده بود. ما از این مقاله نتیجه می‌گیریم که سبک بصری آثارش (به‌ویژه از جنبه پالت رنگی) نیز این مدعا را اثبات می‌کند.

⁷ Storyboard

⁶ Retro Shades

منابع

الف. فهرست منابع فارسی

- پارابون، خوزه ام. (۱۴۰۱)، *تئوری رنگ: ترجمه عربعلی، شروه و قدرتی، زهرا*. تهران: شباهنگ.
- شیرینی، اکبر و دیگران. (۱۳۹۷)، «تحلیل پویانمایی آقای فاکس شگفت‌انگیز براساس رویکرد چندوجهیت»، *جستارهای ربانی*، شماره ۴۴.
- عقیقی، سعید. (۱۳۹۳)، *نگاهی به سینمای معاصر*، کتاب آمه
- کوکبی، مهرناز و سهیلی صدیق، سحر. (۱۳۹۷)، «شنیدن رنگی: مطالعه پیرامون حس آمیزی و فرایند ترکیب حواس»، *هنرهای تجسمی*، شماره ۳.
- کهون، لارنس. (۱۳۷۸)، *از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*؛ ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی.
- لوشر، ماکس. (۱۴۰۰)، *روانشناسی رنگ‌ها*؛ ترجمه حمیدرضا بلوچ، حمیدرضا، تهران: شباهنگ.
- محمدکاشی، صابره. (۱۳۷۸)، «بررسی تطبیقی بنیان‌های نظری پست‌مدرنیسم و سینمای پست‌مدرن»، *فیلم و فلسفه*، شماره ۲.
- محمدکاشی، صابره. (۱۳۸۴)، «سینمای پست مدرن»، *کتاب ماه هنر*، شماره‌های ۸۵ و ۸۶.
- میشل، راجر. (۱۳۸۰-۱۳۸۱). «پست مدرنیسم»؛ ترجمه نسیم مهرتبار، *نشریه مطالعات هنرهای تجسمی*، شماره‌های ۲، ۱۳ و ۱۶.
- وارد، گلن. (۱۳۸۳)، *پست مدرنیسم*، ترجمه فخرنجبری؛ قادر و کرمی، ابوذر. تهران: ماهی.
- وست‌لند، استیفن. (۲۰۱۷)، *آیا رنگ‌ها تأثیری بر ذهن و مغز ما دارد؟*
- هیگس، استیون. (۱۳۹۹)، *تبیین پست مدرنیسم*؛ ترجمه حسین پورسفیر، حسین، تهران: ققنوس.

ب. فهرست منابع انگلیسی

13. The cinema of Wes Anderson, bringing nostalgia to life (Crothers dilley, Whitney. (1983) Columbia University Press)
14. Accidentally Wes Anderson (Kowal, Wally. (2020) Orion)

ج. فهرست منابع اینترنتی

- تجزیه و تحلیل رنگ در هتل بزرگ بوداپست: <https://tahlilak.com>
- راهنمای تئوری رنگ فیلم: <https://www.timecode.ir/film-color-theory>
- نقد آقای فاکس شگفت‌انگیز: <https://www.bergerhomediararies.com>
- نقد آقای فاکس شگفت‌انگیز: <https://www.peepsburgh.com/fantastic-mr-fox-color-palette>
- نقد گزارش فرانسوی: <https://dmtalkies.com>
- نقد گزارش فرانسوی: <https://gamefa.com>
- نقد گزارش فرانسوی: <https://igmag.ir>
- ویکی‌پدیای انگلیسی: عمدتاً برای شناسنامه فیلم‌ها.

Color palettes in the works of Wes Anderson and their relationship to content

Abstract

Importance of color in art and human life, is undeniable. Wes Anderson is one of postmodern directors whom has used color especially. In this thesis we try to review postmodernism, Wes Anderson's biography and analyze relation between color palette and content in his movies. For this purpose, we will case study four films made by him.

Keywords: color palette, postmodernism, Wes Anderson, Cinema, color theor.